



از فشار تا گفت‌وگو



حمیدرضا عزیزی

تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه

درست بلافاصله پس از بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، یکی از نخستین اقدامات او از سرگیری کارزار «فشار حداکثری» علیه ایران با صدور یک فرمان ریاست جمهوری بود. درست مانند دوره نخست ریاست جمهوری ترامپ، هدف این سیاست، تشدید محدودیت‌های اقتصادی علیه ایران، به‌ویژه هدف قرار دادن صادرات نفت خام بود تا جمهوری اسلامی را وادار کند تا رفتار منطقه‌ای و جاه‌طلبی‌های هسته‌ای‌اش را تغییر دهد. ترامپ به‌رغم از سرگیری فشار علیه ایران، این سیگنال را هم داد که برای دیپلماسی تمایل دارد. ترامپ با تأکید بر اینکه ایران نباید هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند، تصریح کرد که ترجیح می‌دهد این مسئله را از طریق مذاکره حل و فصل کند و نه از طریق اقدام نظامی. ترامپ در یک اقدام دیپلماتیک قابل توجه یک نامه مستقیم برای آیت‌الله علی خامنه‌ای، رهبر معظم ایران ارسال کرد. برخلاف پیامی که در سال ۲۰۱۸ ارسال شده‌بود، این بار نامه ترامپ، جواب دریافت کرد. این پاسخ با میانجی‌گری عمان ارسال شد و زمینه را برای سه دوره گفت‌وگو فراهم کرد که دور نخست آن در مسقط، دور دوم در رم و دور سوم مجدداً در مسقط برگزار شد.

زمان بندی ترامپ برای اعلام برگزاری این گفت‌وگوها هم بسیار قابل توجه بود. او این مذاکرات را در حین برگزاری نشست مشترک خبری با بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل علنی کرد. این اقدام ترامپ نشان‌دهنده شدت یافتن اختلاف‌نظر میان اولویت‌های اسرائیل و ایالات متحده آمریکا بود. همزمان با اینکه اسرائیل همچنان بر اقدام نظامی پیش‌دستانه تأکید می‌کند، به نظر می‌رسد دونالد ترامپ ترجیح می‌دهد که نخست مسیر دیپلماتیک را بیازماید. با این حال ایالات متحده به وضوح تأکید کرده‌است که گزینه نظامی همچنان روی میز قرار دارد. واشنگتن در واکنش به اقدامات حوثی‌ها در دریای سرخ، به شکل قابل توجهی حضور نظامی خود را در سراسر اقیانوس هند و دریای سرخ افزایش داده‌است. این افزایش نیروها سیگنالی برای تهران است که آمریکا در صورت ضرورت، آمادگی اقدام دارد.

اینگونه گفته می‌شود که این راهبرد دوجویی که شامل ترکیب فشار اقتصادی و نظامی با تماس دیپلماتیک است، امری بود که، به‌رغم موضع قاطع قبلی رهبر ایران برای رد هرگونه مذاکره با واشنگتن، باعث شد تهران قانع شود که پای میز مذاکره بیاید. اما تهران خطوط قرمز روشنی را رسم کرده‌است. تهران تأکید می‌کند که هیچ بخشی از زیرساخت‌های اتمی‌اش را جمع‌آوری نمی‌کند و به هیچ وجه حاضر نیست در مورد توانمندی‌های دفاعی و نظامی گفت‌وگو کند.

درون دولت ترامپ همچنان شکاف داخلی وجود دارد. اردوگاه هواداران شعار «اول آمریکا» به رهبری استیو ویتکاف و جی‌دی ونس، معاون رئیس جمهور از یک توافق دقیق و برنامه‌ریزی شده و رویکرد عملگرایانه حمایت می‌کنند. در برابر مقام‌های تندروتر مانند مارکو روبیو، وزیر خارجه و مایک والتز، مشاور امنیت ملی [پیشین] رئیس‌جمهور خواستار فشار برای مطالبات حداکثری از ایران هستند که می‌تواند جلوی پیشرفت مذاکرات را بگیرد.

عصر تعیین‌کننده دیگر اسرائیل است. اسرائیل که احساس می‌کند بیش از پیش به حاشیه رانده شده‌است، ممکن است دست به اقدام‌های پنهانی و علنی بزند که برای فرآیند دیپلماتیک مانع ایجاد کند. اقدامات اسرائیل ممکن است باعث تحریک ایران به اقدام‌های تلافی‌جویانه شود که می‌تواند مذاکرات را زیر سوال ببرد. موفقیت تلاش‌های دیپلماتیک برای حل و فصل مسائل ایران و آمریکا کاملاً وابسته به توانایی دونالد ترامپ برای مدیریت نتایج و ایجاد توازن در اهداف آمریکا و اسرائیل است.

دیپلماسی

DIPLOMACY



نگاه دیپلمات



عکس: محمد برزو آوش

جزئیات پردردسر

مهمترین موارد اختلافی ایران و آمریکا برای رسیدن به توافق چیست؟



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین ایران در سازمان ملل متحد

در پرونده مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا، سه دور مذاکرات سطح بالا و یک دور مذاکرات کارشناسی وفنی برگزار شده‌است. تفاوت‌های زیادی میان آنچه در مذاکرات سطح بالا، مورد گفت‌وگو قرار می‌گیرد و آنچه در مذاکرات فنی و کارشناسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد وجود دارد. بر اساس اظهارات علنی مقام‌های دو طرف و برداشت‌هایی که از فرآیند گفت‌وگوها وجود دارد، می‌توان اینگونه ارزیابی کرد که

مسائل مطرح‌ه در مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا در مورد موارد زیر بود:

۱. اینکه طرفین در مورد چه چیزهایی گفت‌وگو کنند، آیا این مذاکرات فقط منحصر به برنامه هسته‌ای ایران باشد یا موضوع‌های دیگر هم در آن دخالت داده‌شود.
۲. در مورد حد مطالبات دو طرف در مذاکرات اصلی، به‌ویژه اینکه بر خی از صداها در واشنگتن در این مورد سخن گفته‌بودند که برنامه هسته‌ای ایران کاملاً باید جمع‌آوری شود یا اینکه ایران از حق غنی‌سازی چشم‌پوشی کند و اورانیوم غنی‌شده مورد نیاز برای سوخت راکتورهای اش را از خارج وارد کند. در حالی که صداهای دیگری در آمریکا حاضر شده‌اند حق ایران برای غنی‌سازی ۳/۶۷ درصد را بپذیرند.
۳. مسئله دیگری اینک چار چوب زمانی گفت‌وگوها چگونه باشد و آیا ضرب‌الاجلی برای پایان مذاکرات تعریف شود یا نه.

نگاه هم‌میهن

ضرورت مصالحه در جزئیات

ایران و آمریکا برای رسیدن به یک توافقی به چیزهایی فراتر از صرف عزم و اراده نیاز دارند؟



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

بازگرداندن تحریم‌هایی که بر اثر برجام مرتفع شده بودند و وضع تحریم‌های جدید علیه ایران به اضافه اقدامات خصمانه‌ای از جمله دستور ترور سردار شهید قاسم سلیمانی باعث شده بود تا بدبینی زیادی نسبت به سیاست دونالد ترامپ در قبال تهران ایجاد شود. به‌رغم این بدبینی‌ها، دوره‌های اول و دوم گفت‌وگوی غیرمستقیم سطح بالای ایران و آمریکا با سرعت زیادی پیش رفت و بعد از دو هفته توافقی برای ادامه کار بر روی جزئیات یک توافق باالقه آغاز شد. این تحولات نشان‌دهنده عزم و اراده جدی دو طرف برای رسیدن به یک توافق در کوتاه‌ترین زمان ممکن بود. اما این عزم و اراده به‌سادگی قابل تبدیل به یک توافق نیست. ایران و آمریکا پس از بیش از ۴ دهه خصومت اختلافات عمیق و ریشه‌داری دارند که حل و فصل آنها به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. نقض توافق پیشین دو طرف در برجام توسط دونالد ترامپ، باعث شده‌است که بدبینی نسبت به رفتار او درون جمهوری اسلامی بسیار بیشتر باشد.

ایران با خطوط قرمز مشخص و اعلام‌شده‌ای وارد گفت‌وگو با آمریکا شده‌است. مقام‌های ایرانی بارها تأکید کرده‌اند که گفت‌وگوها صرفاً منحصر به برنامه هسته‌ای ایران و تحریم‌های آمریکا هستند و مسائل دیگر مورد اختلاف دو طرف، از جمله مسائلی مانند توان دفاعی ایران، برنامه موشکی و حمایت ایران از گروه‌های متحد در منطقه، بخشی از مذاکرات نخواهد بود. تهران در عین حال تصریح کرده‌است که حفظ توانایی غنی‌سازی در خاک ایران یک خط قرمز در مذاکرات محسوب می‌شود. در برابر طرف آمریکایی نتوانسته‌است خواسته‌های خود را به‌صورت علنی روشن کند. حتی شخص استیو ویتکاف، مذاکره کننده ارشد دولت آمریکا در این گفت‌وگوها، اظهارات ضد و نقیضی در مورد توافق باالقه با ایران بیان کرده‌است. یک روز بعد از اینکه ویتکاف در مصاحبه‌ای تصریح کرد که آمریکا غنی‌سازی ۳/۶۷ درصدی اورانیوم در خاک ایران را می‌پذیرد، در مصاحبه‌ای دیگر بیان کرد که آمریکا خواهان توقف و برچیده‌شدن کامل برنامه غنی‌سازی ایران است. این تناقض‌ها در گفتارهای علنی طرف آمریکایی هر چند ممکن است بیان‌گر موضع مقام‌های این کشور روی میز مذاکره نباشد، اما به بدبینی در میان مقام‌های ایرانی دامن می‌زند.

با این حال با توجه به اینکه هفته گذشته دو طرف گفت‌وگوهای فنی و کارشناسی را آغاز کردند و به نظر می‌رسد طی روزهای آینده دور دوم این گفت‌وگوها را برگزار کنند، به نظر می‌رسد که دو طرف دست کم در برخی از کلیات، از جمله اینکه گستره توافق باالقه در مورد چه مسائلی باشد و نهایتاً چه حقوقی برای ایران از سوی آمریکا به رسمیت شمرده‌شود، به توافق دست یافته‌اند.

اما مسئله پیچیده‌تر و سخت‌تر ترجمه این توافق‌های کلی به یک متن مکتوب غیرقابل تفسیر و مورد توافق طرفین است. ایران هر اندازه که پافشاری شود حاضر نیست در مورد مسائل غیرهسته‌ای مذاکره کند، اما نهایتاً به دلیل حجم تحریم‌هایی که در دوره نخست ریاست جمهوری دونالد ترامپ، به بهانه‌های مختلف از جمله مشارکت در برنامه دفاعی و موشکی، ادعای حمایت از ترور ریسم و ادعاهای حقوق بشری علیه نهادهای مختلف حکومتی در ایران وضع شده‌است، خواه‌ناخواه مجبور خواهد شد در مورد مسائل دیگر نیز با طرف آمریکایی گفت‌وگو کند.

۴. نوع توافق نهایی هم جزئی از توافق‌های کلی است. اینکه طرفین در پایان مذاکرات به یک توافق مکتوب برسند یا به تفاهم نامکتوب بسنده کنند. اینکه توافق مکتوب بالقوه به امضای دو طرف می‌رسد یا نه، اینکه برای رسمیت یافتن توافق امضای طرفین کافی است یا باید به تصویب پارلمان هابرسد؛ همه از جمله کلیاتی هستند که در سطح بالا مورد بحث قرار می‌گیرند.

۵. مسئله دیگر که در سطح بالا مورد گفت‌وگو قرار می‌گیرد این است که اگر قرار است توافق نهایی مکتوب باشد در چه سطحی و در کجا امضا شود.

مسائلی از این دست، مسائلی هستند که در گفت‌وگوهای سطح بالا، بین سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و استیو ویتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا در امور خاورمیانه مورد بررسی قرار می‌گیرند. در واقع این گفت‌وگو یکسری مسائل کلی است که حدود و چارچوب‌های مذاکرات را تعیین می‌کند. اگر دو طرف روی همه یا بخشی از این موضوع‌ها توافق کنند، آنگاه وارد مذاکرات فنی و کارشناسی می‌شوند که دیدیم شنبه هفته جاری، نخستین دور گفت‌وگوهای فنی و کارشناسی انجام شد. ورود به مرحله کارشناسی به این معنا است که دست‌کم روی برخی از کلیات توافق‌هایی میان ایران و آمریکا شکل گرفته‌است.

اما جزئیات بسیار اهمیت دارد. در هر مذاکره بین‌المللی، چندجانبه و دوجانبه این جزئیات است که سرنوشت توافق را روشن می‌کند. این یک اصل کلی در مذاکرات و معاملات است و حتی در بده‌بستان‌های فردی در سطح اجتماع هم ساده‌تر می‌توان روی کلیات توافق کرد تا در مورد جزئیات. برای مثال در مورد توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ (برجام)، در سطح بالا اینگونه توافق شد که توافق نهایی یک متن مکتوب مورد اجماع ۷ طرف باشد و جزئیات کامل اجرایی، فنی و حقوقی در آن به تفصیل مورد اشاره قرار گرفته‌باشد. وقتی طرف‌ها وارد جزئیات می‌شوند، در مورد جزئیات متن مکتوب گفت‌وگو می‌کنند که این متن چگونه خواسته‌های طرفین را برآورده کند و در عین حال متن واضحی در اختیار داشته‌باشند که ابهام در مورد آن بین دو طرف به وجود نیاید و در حین اجرا، دو طرف به تفسیرهای متفاوتی از آن دست پیدا نکنند. سرفصل مطالبی که احتمالاً در گفت‌وگوهای کارشناسی و فنی ایران و آمریکا به آن پرداخته می‌شود به شرح زیر است:

۱. نخستین و مهم‌ترین موضوع این است که اگر توافق شده‌باشد که تنها در مورد برنامه هسته‌ای ایران مذاکرات انجام شود، آنگاه کارشناسان بر روی این موضوع بحث می‌کنند که جزئیات فنی مهار برنامه هسته‌ای ایران به چه شکل باید باشد. برای مثال در برجام اینگونه توافق شده‌بود که ایران حق دارد تنها تا سقف ۳/۶۷ درصد اورانیوم را غنی‌سازی کند و تا میزان مشخصی از این اورانیوم غنی‌شده را در خاک ایران نگهداری کند. به همین ترتیب یکی از نخستین اقدامات ایران بعد از انعقاد برجام، انتقال صدها

بین سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵ زمانی که ایران و ۵+۱ برای رسیدن به توافق با یکدیگر گفت‌وگو می‌کردند، اغلب تحریم‌های ثانویه اعمال شده توسط آمریکا در حوزه هسته‌ای بودند و با توافق در پرونده هسته‌ای این تحریم‌ها مرتفع شدند اما بعد از گذشت یک دهه از آن زمان، اکنون بسیاری از نهادهای مهم اقتصادی و امنیتی ایران، علاوه بر بازگشت تحریم‌های هسته‌ای تحت تحریم‌های مضاعف دیگری هم از سوی آمریکا قرار گرفته‌اند، به همین دلیل صرف مرتفع شدن تحریم‌های هسته‌ای نمی‌تواند مشکل را برطرف کند.

در عین حال ایران و آمریکا هر دو اعلام کرده‌اند که در قالب یک توافق جدید خواستار تضمین‌هایی از یکدیگر هستند. دولت آمریکا مدعی است که می‌خواهد اطمینان حاصل کند ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نمی‌کند، اینکه چنین تضمینی چگونه در توافق باالقه ارائه شود، مستلزم تعیین سازوکارهای نظارتی و بازرسی و ترتیبات فنی است که باید با جزئیات کامل و دقیق مشخص شود. خروج دونالد ترامپ از برجام در سال ۲۰۱۸ و بدبینی سابقه‌دار او به نهادهای و سازوکارهای بین‌المللی مشخص کرده‌است که دولت او اعتمادی به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نهادهای مستقل برای بازرسی و نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران ندارد؛ به همین دلیل دو طرف احتمالاً مجبور خواهند شد که ساز و کار جدیدی برای نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران تعریف کنند که نیازمند مذاکرات جدی و پیچیده‌است. در برابر ایران هم اعلام کرده‌است که اجرای توافق باالقه جدید نیازمند تضمین‌هایی از سوی ایالات متحده آمریکا است که این دولت یا دولت‌های پس از آن، مانند اقدام دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۸ نتوانند به‌سادگی آن را نقض کنند. کارشناسان سیاسی و حقوقی بارها تأکید کرده‌اند که ساختار سیاسی آمریکا به دلیل اختیارات گسترده رئیس‌جمهور در سیاست خار جی، به شکلی است که ایجاد تعهد دائمی برای رؤسای جمهور بعدی به شکل تضمین شده، تقریباً غیر ممکن است. اینکه کارشناسان فنی آمریکایی بتوانند ترتیباتی در مذاکرات با ایران ارائه بدهند که ایران را نسبت به تضمین پایدار توافقی راضی کند، نیازمند ارائه جزئیات حقوقی دقیق و مذاکرات جدی است.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران پس از دور سوم مذاکرات که روز شنبه ۶ اردیبهشت در مسقط برگزار شد، برخلاف دوره‌های قبل که با لحنی مثبت در مورد مذاکرات سخن می‌گفت، فضای حاکم بر این دور از مذاکرات را «جدی» توصیف کرد. او در روزهای بعد بار دیگر تأکید کرد که هنوز «در کلیات و جزئیات» اختلاف‌هایی میان ایران و آمریکا باقی مانده‌است. این اظهارات نشان می‌دهد که به‌رغم پیشرفت سریع مذاکرات سطح بالا در دو دور نخست، مرحله سخت گفت‌وگوها، یعنی تعیین جزئیات فنی و کارشناسی یک توافق باالقه باقی مانده‌است. هر چند اسفندماه سال گذشته و همزمان با انتشار خبر ارسال نامه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا به رهبر ایران اعلام شده‌بود که واشنگتن یک ضرب‌الاجل ۶۰ روزه برای به نتیجه رسیدن مذاکرات وضع کرده‌است، اما از همین حالا رمز مه‌هایی مبنی بر تمدید این مدت زمان آغاز شده‌است. روز سه‌شنبه یک مقام اسرائیلی در گفت‌وگو با جروزال‌پست ادعا کرد که این ضرب‌الاجل احتمالاً برای رسیدن به توافق تمدید خواهد شد. تهران هرگز وجود یک بازه زمانی مشخص با ضرب‌الاجل برای مذاکرات را تأیید نکرده‌است. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در تازه‌ترین اظهار نظر خود در مورد زمان مورد نیاز به توافق گفته‌است: «مانبندی مشخصی را تعیین نکردیم اما طبیعی است که ما اقلاً به دنبال مذاکرات فرسایشی و وقت تلف کردن نیستیم.»